

آزمایشهای سه گانه عیسی

¹ آنگاه عیسی به دست روح به بیابان برده شد تا ابلیس او را آزمایش نماید.² و چون چهل شبانه روز روزه داشت، آخر گرسنه گردید.³ پس تجربه کننده نزد او آمده، گفت: اگر پسر خدا هستی، بگو تا این سنگها نان شود.⁴ در جواب گفت: مکتوب است: انسان نه محض نان زیست می‌کند، بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان خدا صادر گردد.⁵ آنگاه ابلیس او را به شهر مقدس برد و بر روی کنگره معبد برپا داشته،⁶ به وی گفت: اگر پسر خدا هستی، خود را به پایین انداز، زیرا مکتوب است: که فرشتگان خود را درباره تو فرمان دهد تا تو را به دستهای خود بگیرند، مبدا پایت به سنگی خورد.⁷ عیسی وی را گفت: و نیز مکتوب است: خداوند خدای خود را تجربه مکن.⁸ پس ابلیس او را به کوهی بسیار بلند برد و همه ممالک جهان و جلال آنها را بدو نشان داده،⁹ به وی گفت: اگر افتاده مرا سجده کنی، همانا این همه را به تو بخشم.¹⁰ آنگاه عیسی وی را گفت: دور شو، ای شیطان! زیرا مکتوب است: که خداوند خدای خود را سجده کن و او را فقط عبادت نما.¹¹ در ساعت ابلیس او را رها کرد و اینک، فرشتگان آمده، او را پرستاری می‌نمودند.

شروع کار عیسی و دعوت چهار ماهیگیر

¹² و چون عیسی شنید که یحیی گرفتار شده است، به جلیل روانه شد،¹³ و ناصره را ترک کرده، آمد و به کفرناحوم، به کناره دریا در حدود زبولون و نفتالیم ساکن شد.¹⁴ تا تمام گردد آنچه به زبان اشعای نبی گفته شده بود:¹⁵ که، زمین زبولون و زمین نفتالیم، راه دریا آن طرف اُردُن، جلیل امّت‌ها!¹⁶ قومی، که در ظلمت ساکن بودند، نوری عظیم دیدند و برنشینندگان دیار موت و سایه آن نوری تابید.¹⁷ از آن هنگام عیسی به موعظه شروع کرد و گفت: توبه کنید زیرا ملکوت آسمان نزدیک است.

¹⁸ و چون عیسی به کناره دریای جلیل می‌خرامید، دو برادر، یعنی شمعون، مسمی به پطرس، و برادرش اندریاس، را دید که دامی در دریا می‌اندازند، زیرا صیاد بودند.¹⁹ بدیشان گفت: از عقب من آید تا شما را صیاد مردم گردانم.²⁰ در ساعت دامها را گذارده، از عقب او روانه شدند.²¹ و چون از آنجا گذشت، دو برادر دیگر،

تجربه یسوع

¹ ثُمَّ أَصْعَدَ يَسُوعُ إِلَى الْبَرِّيَّةِ مِنَ الرُّوحِ لِيُجَرِّبَ مِنْ إِبْلِيسَ. ² فَبَعْدَ مَا صَامَ أَرْبَعِينَ نَهَاراً وَأَرْبَعِينَ لَيْلَةً جَاعَ آخِيراً. ³ فَتَقَدَّمَ إِلَيْهِ الْمُجَرَّبُ وَقَالَ لَهُ: إِنْ كُنْتَ ابْنُ اللَّهِ فَقُلْ أَنْ تَصِيرَ هَذِهِ الْحَجَارَةُ خُبْزاً. ⁴ فَأَجَابَ وَقَالَ: مَكْتُوبٌ: "لَيْسَ بِالْخُبْزِ وَحْدَهُ يَحْيَا الْإِنْسَانُ بَلْ يَكُلُ كُلِّمَةً تَخْرُجُ مِنْ فَمِ اللَّهِ". ⁵ ثُمَّ أَحَذَهُ إِبْلِيسُ إِلَى الْمَدِينَةِ الْمُقَدَّسَةِ وَأَوْفَقَهُ عَلَى جَنَاحِ الْهَيْكَلِ، وَقَالَ لَهُ: إِنْ كُنْتَ ابْنُ اللَّهِ فَاطْرُقْ نَفْسَكَ إِلَى أَسْفَلِ، لِأَنَّهُ مَكْتُوبٌ: "أَنَّهُ يُوصِي مَلَائِكَتَهُ بِكَ، فَعَلَى أَيْدِيهِمْ يَحْمِلُونَكَ لِكَيْ لَا تَضِيعَ بِحَجَرٍ رِجْلُكَ". ⁷ قَالَ لَهُ يَسُوعُ: مَكْتُوبٌ أَيْضاً: "لَا تُجَرِّبَ الرَّبَّ إِلَهَكَ". ⁸ ثُمَّ أَحَذَهُ أَيْضاً إِبْلِيسُ إِلَى جَبَلٍ عَالٍ جَدّاً وَأَرَاهُ جَمِيعَ مَمَالِكِ الْعَالَمِ وَمَجْدَهَا، ⁹ وَقَالَ لَهُ: أَعْطَيْكَ هَذِهِ جَمِيعَهَا إِنْ خَرَزْتَ وَسَجَدْتَ لِي. ¹⁰ حِينَئِذٍ قَالَ لَهُ يَسُوعُ: اذْهَبْ، يَا شَيْطَانُ. لِأَنَّهُ مَكْتُوبٌ: "لِلرَّبِّ إِلَهِكَ تَسْجُدُ وَإِيَّاهُ وَحْدَهُ تَعْبُدُ". ¹¹ ثُمَّ تَرَكَهُ إِبْلِيسُ وَإِذَا مَلَائِكَتُهُ قَدْ جَاءَتْ فَصَارَتْ تَحْدُمُهُ.

بدایه خدمه یسوع

¹² وَلَمَّا سَمِعَ يَسُوعُ أَنَّ يُوحَنَّا أَسْلِمَ انْصَرَفَ إِلَى الْجَلِيلِ. ¹³ وَتَرَكَ النَّاصِرَةَ وَأَتَى فَسَكَنَ فِي كَفَرْنَاحُومَ الَّتِي عِنْدَ الْبَحْرِ فِي ثُجُومِ زَبُولُونِ وَنَفْتَالِيمَ، ¹⁴ لِكَيْ يَتِمَّ مَا قِيلَ بِإِسْعِيَاءَ النَّبِيِّ الْقَائِلِ: ¹⁵ "أَرْضُ زَبُولُونِ وَأَرْضُ نَفْتَالِيمَ، طَرِيقُ الْبَحْرِ، غَيْرُ الْأُرْدُنِّ، جَلِيلُ الْأُمَمِ،" ¹⁶ الشَّعْبُ الْجَالِسُ فِي ظُلْمَةٍ أَبْصَرَ نُوراً عَظِيماً، وَالْجَالِسُونَ فِي كُورَةِ الظُّلُمَاتِ وَظِلَالِهِ أُسْرِقَ عَلَيْهِمْ نُورٌ". ¹⁷ مِنْ ذَلِكَ الزَّمَانِ ابْتَدَأَ يَسُوعُ يَكْرُرُ وَيَقُولُ: تَوْبُوا، لِأَنَّهُ قَدْ اقْتَرَبَ مَلَكُوتُ السَّمَاوَاتِ.

التلاميذ الأول

¹⁸ وَإِذْ كَانَ يَسُوعُ مَاشِياً عِنْدَ بَحْرِ الْجَلِيلِ أَبْصَرَ آخَوَيْنِ، سَمْعَانَ الَّذِي يُقَالُ لَهُ بُطْرُسُ وَأَنْدَرَاوُسَ، أَخَاهُ، يُلْقِيَانِ شَبَكَةً فِي الْبَحْرِ فَاقْبَهُمَا كَانَا صَيَّادَيْنِ. ¹⁹ فَقَالَ لَهُمَا: هَلُمَّ وَرَائِي، فَأَجْعَلُكُمْ صَيَّادِي النَّاسِ. ²⁰ فَلِلْوَقْتِ تَرَكَا الشَّبَاكَ وَتَبِعَاهُ. ²¹ ثُمَّ اجْتَاَزَ مِنْ هُنَاكَ فَرَأَى آخَوَيْنِ آخَرَيْنِ، يَعْقُوبَ بْنَ زَبْدِي وَيُوحَنَّا، أَخَاهُ، فِي السَّفِينَةِ مَعَ زَبْدِي، ابْنَيْهِمَا، يُصْلِحَانِ شَبَاكَهُمَا فَدَعَاهُمَا. ²² فَلِلْوَقْتِ تَرَكَا السَّفِينَةَ وَابْتَاهُمَا وَتَبِعَاهُ.

يسوع يكرز بالإنجيل ويشفي

²³ وَكَانَ يَسُوعُ يَطُوفُ كُلَّ الْجَلِيلِ يُعَلِّمُ فِي مَجَامِعِهِمْ

وَيَكْرِزُ بِبَشَارَةِ الْمَلَكُوتِ وَيَشْفِي كُلَّ مَرَضٍ وَكُلَّ صَعْفٍ فِي الشَّعْبِ.²⁴ قَدَّاعَ حَبْرَهُ فِي جَمِيعِ سُورِيَّةَ، فَأَخْضَرُوا إِلَيْهِ جَمِيعَ السُّقَمَاءِ الْمُصَابِينَ بِأَمْرَاضٍ وَأَوْجَاعٍ مُخْتَلِفَةٍ، وَالْمَجَانِينَ وَالْمَصْرُوعِينَ وَالْمَفْلُوجِينَ فَشَفَاهُمْ.²⁵ فَتَبِعَتْهُ جُمُوعٌ كَثِيرَةٌ مِنَ الْجَلِيلِ وَالْعَشِيرِ الْمُدُنِ وَأُورُشَلِيمَ وَالْيَهُودِيَّةِ وَمِنْ عَبْرِ الْأَرْدُنِّ.

یعنی یعقوب پسر زیدی و برادرش یوحنا را دید که در کشتی با پدر خویش زیدی، دامهای خود را اصلاح می‌کنند؛ ایشان را نیز دعوت نمود.²² در این حال، کشتی و پدر خود را ترک کرده، از عقب او روانه شدند.²³ و عیسی در تمام جلیل می‌گشت و در کنایس به آنها تعلیم داده، به بشارت ملکوت موعظه همی نمود و هر مرض و هر درد قوم را شفا می‌داد.²⁴ و اسم او در تمام سوریه شهرت یافت، و جمیع مریضانی که به انواع امراض و دردها مبتلا بودند و دیوانگان و مصروعان و مفلوجان را نزد او آوردند، و آنها را شفا بخشید.²⁵ و گروهی بسیار از جلیل و دیکاپولیس و اورشلیم و یهودیه و آن طرف اُردُن در عقب او روانه شدند.